قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۴۳۳ |

نکته‌ها/ آیت‌الله مرتضی تهرانی
آداب تشرف به محضر علی بن موسی الرضا(ع)
۲

دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور در گفت‌وگو با قدس:
اربعین فرصت بزرگ تحول و ارتقای سبک زندگی مردم است
۳

کارشناسان در گفت‌وگو با قدس از نقش امام رضا(ع) در توسعه تشیع و فضیلت زیارت حضرتش می گویند
زانو بزن به پای بیدار خفته در طوس
۲

آیین قدردانی از موکب‌داران عراقی در کربلا برگزار شد
تکریم میزبان به نمایندگی از مردم ایران
۴

پویشی با هدف خدمت‌رسانی شایسته در دهه پایانی صفر آغاز به کار کرد

نذر قدم‌های زائران امام رضا(ع)

به همت بنیاد فرهنگی رضوی، پویش «نذر قدم‌های زائر» با هدف جمع‌آوری نذورات برای خدمت‌رسانی شایسته‌تر به زائران پیاده دهه آخر صفر مشهدالرضا(ع) آغاز به کار کرد.
به گزارش آستان‌نیوز، در قالب این پویش که به منظور خدمت‌رسانی بهتر به زائران پیاده حضرت رضا(ع) راه‌اندازی شده، نذورات نقدی و غیرنقدی ارادتمندان اهل بیت(ع) برای پذیرایی در ایستگاه‌های مستقر در مسیرهای منتهی به شهر مشهد دریافت می‌شود.
علاقه‌مندان به مشارکت در این حرکت معنوی می‌توانند نذورات نقدی خود را به شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۷۰۴۴۵۸۹۵۶۵ به نام مدرسه امام رضا(ع) و شماره شبای IR ۹۵۰۱۵۰۰۰۰۰۳۱۰۰۰۱۲۵۷۲۱۹۳ واریز کنند ...

۴

زائران قدیم پیش از حرکت به سمت مشهد، چه اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کردند؟

فنون سفر زیارتی در ۲۰۰ سال پیش

محمدحسین نیکبخت |

امروزه چندان نیاز به فوت و فن یا داشتن اطلاعات خاصی نیست؛ زائر وقتی تصمیم می‌گیرد به سوی مشهد حرکت کند، می‌رود بلیتی، حالا از هر نوع آن، تهیه می‌کند، بعد بار سفر می‌بندد و یاعلی از تو مدد. اگر بخواهد با وسیله شخصی بیاید که دیگر همان کار ابتدایی را هم نیاز نیست انجام بدهد؛ فقط کافی است پشت فرمان خودرو بنشیند و بزند به دل جاده. در مشهد هم برای یافتن محل اقامت، در ایام عادی سال خیلی سرگردان نمی‌شود؛ شکر خدا همه جور اقامتگاه با هر نوع توان مالی وجود دارد و زائر بی جا و مکان نمی‌ماند. بعضی‌ها که کارشان به یافتن مکان اقامت هم نمی‌رسد؛ دوستی داشتم که وقتی هوای زیارت به سرش می‌زد، شبانه از تهران حرکت می‌کرد و صبح به مشهد می‌رسید و پس از زیارت و ساعتی نشستن در حرم رضوی، به پایانه مسافربری می‌رفت و برمی‌گشت تهران.
اما در قدیم، زیارت رفتن بدون آگاهی و دانستن فنون و اطلاعات لازم، امکان نداشت. زائرانی که می‌خواستند راهی مشهد شوند، باید مقدمات بسیاری را فراهم می‌کردند و تازه، همیشه از این بیمناک می‌بودند که در مسیر حرکت به سوی مشهد، اتفاق خاصی برایشان نیفتد. برخی با پای پیاده و بعضی سوار بر چهارپا، طی طریق می‌کردند. عزیزی می‌گفت: چقدر این جور سفر زیارتی باصفا بوده است؛ به او جواب دادم: بله، صفا و حال زیارت سر جای خودش، اما به قول معروف «آوای دُهُل شنیدن از دور خوش است»، اصلاً مقایسه قدیم با امروز، کار دقیق و درستی نیست.
ما به زائران پیاده روزگار خودمان نگاه می‌کنیم و آن‌ها را با زائرانی که ۳۰۰-۲۰۰ سال پیش از راه‌های دور و نزدیک به مشهد می‌آمدند، مقایسه می‌کنیم و یکی می‌پنداریم. در حالی که اینطور نبوده است اجازه بدهید در ادامه اطلاعاتی درباره سفرهای زیارتی ۲۰۰ سال قبل را در اختیار شما بگذاریم.

■ **از تهران به مشهد، سه ماه راه رفتن!**

عبدالله مستوفی که در سال ۱۳۱۶قمری / ۱۲۷۷شمسی از تهران به مشهد سفر کرده است، می‌نویسد: این سفر، دست‌کم سه ماه طول می‌کشید؛ طبق گفته او یک ماه صرف رفتن، یک ماه صرف برگشتن و یک ماه هم صرف اقامت در مشهد و زیارت حرم مطهر می‌شد. دلیل طولانی بودن مسیر رفت و برگشت هم دو چیز بود؛ نخست وضعیت نامناسب راه‌ها که موجب می‌شد وسایل نقلیه آن دوره نتوانند با سرعت حرکت کنند و دوم ناامنی عجیب و غریبی که به ویژه در میانه دوره قاجار، در مسیر مشهد به تهران وجود داشت؛ هجوم دائمی ترکمانان و غارت کاروان‌های زیارتی که سبب می‌شد زائران در بسیاری از مکان‌های بین‌راهی، مانند میاندشت و میمه، به دلخواه توقف نکنند.
با این حال، فشار راه و بیم از تلف شدن چهارپایان، آن‌ها را مجبور می‌کرد در برخی شهرها و روستاهای مسیر مانند سمنان، دامغان، شاهرود، میامی، سبزوار و نیشابور یک شب بمانند که این خودش، دست‌کم ۶روز از سفر را در بر می‌گرفت.

■ **دردسرهای بین راه**

اقامت در مناطق بین راه هم خودش حکایتی بود. باور ما این است که عموم کاروان‌ها از کاروانسراهای بین راه برای اقامت استفاده می‌کردند؛ اما همه جا کاروانسرا نبود، تازه اگر هم وجود داشت، نمی‌شد در برخی از آن‌ها اقامت کرد و ناچار زائران باید در منازل روستایی، اتاقی اجاره می‌کردند.
این رویه سبب شده بود که در برخی روستاهای مسیر مانند «عباس‌آباد»، اجاره دادن اتاق به شغل اصلی روستاییان تبدیل شود که البته این اقامتگاه‌ها، چندان برای مسافران حتی مسافران همان دوره مناسب نبود.
مسافرت شبانه امکان نداشت و به همین دلیل، کاروان‌ها ناچار بودند با طلوع آفتاب حرکت و با غروب آن در هر نقطه‌ای که هستند، متوقف شوند. اگر کاروان‌سالار در محاسبه مدت طی کردن مسیر اشتباه می‌کرد یا مسئله‌ای پیش می‌آمد که سبب کم شدن سرعت کاروان می‌شد که واویلا بود.
افضل‌الملک که در سال ۱۳۲۱قمری / ۱۲۸۲شمسی مسیر زیارتی تهران به مشهد را طی کرده است، در سفرنامه خود به ناامنی عجیب منطقه اشاره می‌کند و می‌گوید: بسیاری از روستاها به همین دلیل، اصلاً خالی از سکنه است. افزون بر این‌ها، زائر پیش از شروع حرکت به سمت مشهد، باید حواسش به فصل و آب و هوا هم می‌بود. در هر فصلی نمی‌شد مسیر زیارتی را طی کرد؛ تابستان‌های کویر، گاه موجب مرگ افراد می‌شد و زمستان‌های سرد هم خیلی‌ها را به کام مرگ می‌کشید. برای همین، زائران پس از کلی مشورت و همفکری، زمان مناسب حرکت را انتخاب می‌کردند و قدم در جاده زیارت می‌گذاشتند.

■ **اما با همه این حرف‌ها...**

پس از این توضیحات مختصر، لابد با خودتان می‌گویید با این اوصاف، نباید جمعیت زائران حرم رضوی در آن دوره زیاد بوده باشد؛ اما چنین تصوری خطاست. گزارش‌های تاریخی عکس این رویه را نشان می‌دهد. خانیکوف، سیاح روس که در میانه دوره قاجار به مشهد سفر کرد، از روی پخت روزانه ۷۵۰ کیلوگرم برنج برای زائران مستحق و نیازمند، نتیجه گرفته است که آمار سالانه زائران مشهد مقدس، چیزی حدود ۵۰ هزار نفر است. درست در همین زمان، جمعیت مشهد را کمتر از ۵۰ هزار و بلکه ۴۰ هزار نفر تخمین می‌زنند.
بنابراین، در آن دوره و با وجود همه مشکلات، در برخی سال‌ها بیش از جمعیت خودِ مشهد، زائر وارد شهر می‌شد و حتی در سال‌های قحطی شدید، این رقم از ۱۲ هزار نفر پایین‌تر نمی‌آمد.

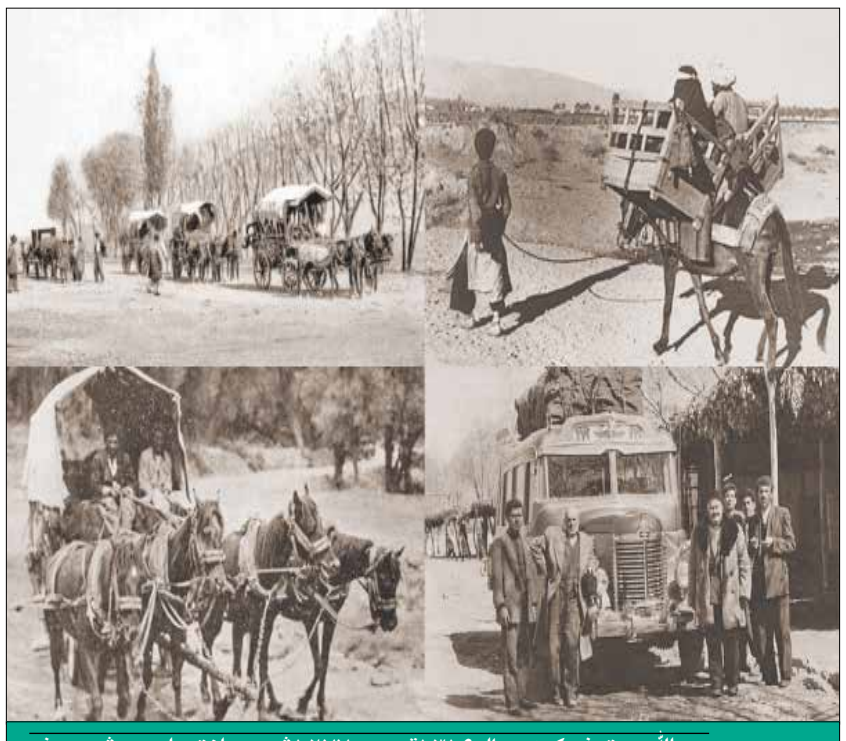

گزیده
عبدالله مستوفی که در سال ۱۳۱۶قمری / ۱۲۷۷شمسی از تهران به مشهد سفر کرده است، می‌نویسد: این سفر، دست‌کم سه ماه طول می‌کشید؛ طبق گفته او یک ماه صرف رفتن، یک ماه صرف برگشتن و یک ماه هم صرف اقامت در مشهد و زیارت حرم مطهر می‌شد.

نذرارباب

چه فراقی...!

رقیه توسلی |

لایوگذار، پزشکی‌است که مؤمنانه در اینستاگرام حضور دارد هر چند خیلی پخش زنده ندارد. از سینی خیار آبلیموزده می‌رود روی قوری قهوه. ما هم می‌رویم. با یخفروش‌ها چند جمله‌ای عربی حرف می‌زند و برای فالوورها ترجمه می‌کند. از دو دختربچه که به نظر می‌رسد خواهر باشند فیلم می‌گیرد که می‌دوند سمت زوار دستمال کاغذی تعارف کنند. بعد از گرمای پنجاه درجه و درمان تاول پای همسفرش و نذر قشنگ عراقی‌هایی که آمدند مرز، کرایه زائران ایرانی را تا کربلا حساب کردند، حرف می‌زند. آن وقت ما را می‌برد میان جمعیت و از پیاده‌رویشان چند قدمی می‌گذارد و می‌گوید به نیت همه آن‌ها که دلشان اینجاست. و سکانس آخر کنار موکبی پر از استکان و نعلبکی می‌ایستد برای خداحافظی. که پشت سرش می‌بینم ناگهان آقای میانسالی با زانو می‌افتد روی خاک. آن قدر سریع و وحشتناک که جا می‌خورم. از حال خوب می‌رسم به نگرانی. دم به دقیقه می‌روم اینستا خبری بگیرم و شروع می‌کنم به تحلیل یک نفره درباره آن صحنه. حتماً یا گرمازده شده یا فشارش افتاده یا بیماری خاصی داشته دارویش را نخورده یا پایش گیر کرده جایی سکندری خورده بنده خدا. شاید هم کفشش پاره شده... اما نه! این‌ها اگر باشد چرا دستش را گذاشت روی سرش بعد نقش بر زمین شد! آن قدر منتظر می‌مانم که بالاخره دکتر کربلایی استوری می‌گذارد. یک استوری توی صفحه سیاه. نوشته: «من عراقم و تو ایرانی... چه فراقی!» متن را که به تمامی می‌خوانم، متوجه می‌شوم آن آقا ایرانی بوده. اهل مازندران. از قضا روزنامه‌نگار. می‌فهمم ناگوارترین و زهرترین خبر را شنیده پشت تلفن. حالا حق می‌دهم به پاهایش که از کار بیفتند. شنیده مادرش از دنیا رفت. مادر قبراق شصت ساله‌اش. چیزی نمی‌فهمم دیگر. تا به خودم بیایم می‌بینم با مژه‌های نمناک دارم یکریز حرف می‌زنم. رو به عراق نشسته‌ام و جمله پشت جمله ردیف می‌کنم. درددل می‌کنم: حسین جان! امام غریبم! سرپناه عالم! یک ساعت پیش به چشم خودم دیدم کمری شکست. برای کسی قیامت شد. دیدم خبری آمد کاری، قد زخم هزار شمشیر. خواستم عرض کنم ما آدم معمولی‌ها گناه داریم. مرتبه‌مان کوچک است. قد شما که صبور و آسمانی و کریم و ناب نیستیم. درد تکه تکه‌مان می‌کند. کم می‌آوریم. می‌میریم. اگر می‌شود دست شفایتان را بکشید روی قلب سوخته این زائر. زائر جماعت چشم امیدشان به حُبّ شماست... .

منبر مجازی

تجسم عینی رسول خدا(ص)

حجت‌الاسلام عالی |

ما ایرانی‌ها نسبت به همه ائمه(ع) ارادت خاص و ویژه داریم و وظیفه‌مان است ولی نسبت به امام رضا(ع) یک ارادت دیگری است. امام رضا(ع) به هر حال جوری است که همه زیر سایه‌اش هستیم. این وجود مقدس دو سه سال بیشتر در ایران نبود؛ سال ۲۰۰ هجری وارد ایران شد سال ۲۰۲ به شهادت رسید. در واقع حدود سه سال اما در عین حال بودن امام رضا(ع) در ایران به قدری برکات داشت که بیشترش شاید در طول زمان روشن‌تر شود... یکی از مهم‌ترین برکات امام رضا(ع) گسترش تشیع در ایران و کم‌کم ایران را تبدیل کردن به پایگاه شیعه بلکه پایتخت شیعه بوده است... اهل بیت(ع) از همان ابتدا از زمان پیغمبر اکرم(ص) نسبت به ایرانی‌ها واقعاً عنایت داشتند لطف داشتند، محبت داشتند... خود ایرانی‌ها هم نسبت به اهل بیت(ع) همین طور بودند، چون در آن‌ها صفا و صمیمیت و تواضع و اخلاق، همه چیز را می‌دیدند. آن تکبری که در پادشاهان ایرانی دیده بودند در طول تاریخ ایران پیش از اسلام دیده یا شنیده بودند در این خانه خبری از آن چیزها نبود... در سوره محمد(ص) در آیه ۳۸ خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ»... اگر شما که دور پیغمبر را گرفتید...اگر شما پشت کنید به پیغمبر آن کاری که باید انجام بدهید را ندهید یک قوم دیگری را به جای شما می‌آورم که خدمت برساند... اصحاب وقتی این آیه نازل شد از پیغمبر پرسیدند آن قوم کیست؟ سلمان کنار پیغمبر نشسته بود پیغمبر اکرم دست به پای او زد فرمود: این و قوم و قبیله‌اش، هموطنانش... امیرالمؤمنین(ع) زمانی به اطرافیان فرمودند از حبیبم رسول خدا شنیدم، همان طور که در ابتدا شما ایرانی‌ها را وارد دین کردید، در آخرالزمان ایرانی‌ها شما را وارد دین می‌کنند... در روایت‌های ما مکرر به این اشاره شده که زمینه‌سازان ظهور در آخرالزمان ایرانی‌ها هستند... آن کسی که ایران را آماده کرد برای چنین مسئولیت بزرگی... تبدیل کرد به یک پایگاه برای تشیع، برای رشد ارادت به اهل بیت(ع) و معرفت به اهل بیت(ع)، امام رضا(ع) بود... ایرانی‌ها تجسم عینی پیغمبر را در امام رضا(ع) دیدند.
امام رضا(ع) رأفت و رحمت و صمیمیتش این بود که فرق نمی‌گذاشت بین اشراف و بین طبقات پایین اجتماعی و با همه یکسان برخورد می‌کرد... این روحیات سبب شد ایرانی‌ها در مقابلشان زانو بزنند و حتی بعضی از کسانی که آن موقع شیعه نبودند واقعاً گرایش به اهل بیت(ع) برایشان خیلی زیاد شد.